

ISBN: 964-7332-49-17

نصیری، زعفر.

شرح مثنوی معنوی (مولوی) / زعفر نصیری. - تهران: ترفند، ۱۳۸۴.

شانزده، ۸۲۴ ص.

عنوان دیگر: مثنوی معنوی.

فهرستبندی بر اساس اطلاعات فیا.

کتابنامه: ص. ۸۲۱.

۱. مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق. مثنوی - نقد و تفسیر.

۲. شعر فارسی - قرن ۷ ق. - تاریخ و نقد. الف. مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق.، مثنوی، شرح. ب. عنوان. ج. عنوان: مثنوی.

شرح. د. عنوان: مثنوی معنوی.

ن ش / م ۸۴۹ م ۸۵۱ / ۳۱

ش ۵۳۰۱ / ۵۹ PIR

۸۴-۱۱۲۲۵

کتابخانه ملی ایران

شرح مثنوی معنوی

دفتر یکم

زعفر نصیری



انتشارات ترفند



انتشارات ترفند

تهران، صندوق پستی: ۱۱۹-۱۷۱۸۵، تلفن: ۲۲۲۲۲۲۴۴ و ۲۲۲۲۲۲۰۶۸

www.iran-ketab.com/tarfand

شرح مثنوی معنوی

دفتر یکم

زعفر نصیری

لیتوگرافی صدف چاپخانه سعید نو صحافی محمدی

نوبت چاپ نخست ۱۳۸۵ شمارگان ۱۰۰۰ نسخه

قیمت ۹۰۰۰ تومان شماره نشر ۵۷

ISBN: 964-7332-49-1

شابک: ۹۶۴-۷۳۳۲-۴۹-۱

فهرست

مقدمه	یازده
توضیحاتی درباره ی روش به کار گرفته شده در این شرح	سیزده
توضیحاتی درباره ی منابع و مأخذ	چهارده
دبیاچه	۱
حکایت عاشق شدن پادشاه بر کنیزکی و خریدن پادشاه کنیزک را	۱۱
ظاهر شدن عجر حکیمان از معالجه کنیزک بر پادشاه	۱۴
روی آوردن پادشاه به درگاه خدا و خواب دیدن شاه، ولی را	۱۴
ملاقات پادشاه به آن طبیب الهی که در خوابش بشارت داده بودند	۱۵
بردن پادشاه آن طبیب را بر سر بیمار تا حال او را ببیند	۱۹
خلوت طلبیدن آن ولی از پادشاه با کنیزک، جهت دریافتن رنج او	۲۲
دریافتن آن ولی رنج کنیزک را	۲۴
عرض کردن طبیب رنج کنیزک را پیش پادشاه و فرستادن شاه، رسولان به سمرقند به آوردن زرگر	۲۵
بیان آنکه کشتن و زهر دادن مرد زرگر به اشارت الهی بود	۲۸
حکایت مرد بقال و طوطی و روغن ریختن طوطی در دُکان	۳۱
داستان پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کُشت از بهر تعصبِ ملتِ خود	۴۵
مکر آموختن وزیر، پادشاه را	۴۷
قصه دیدن خلیفه، لیلی را	۵۴
فهم کردن حاذقان نصارا، مکر وزیر را	۵۸
پیام شاه بر وزیر، و بیان دوازده گروه از نصارا و تخلیط وزیر در احکام انجیل	۵۹
در بیان آنکه این اختلافات در صورت روش است نه در حقیقت راه	۶۶
بیان خسارات وزیر در این مکر	۶۹
مکر دیگر انگیزتن وزیر در اضرار قوم	۷۳
مکر کردن مریدان که خلوت را بشکن	۷۵
جواب گفتن وزیر که خلوت نمی‌شکنم و اعتراض دوباره مریدان بر خلوت وزیر	۷۷
منازعت امراء در ولیعهدی	۹۲
تعظیم نعتِ مُصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که مذکور بود در انجیل	۹۷
حکایت پادشاه جهود دیگر که در هلاک دین عیسی سعی می‌نمود	۱۰۵
قصه کُز ماندن دهان آن مرد که نام محمد (ص) را به تمسخر و استهزاء خواند	۱۱۱
عتاب کردن آتش را، آن پادشاه جهود	۱۱۳

۱۲۰	قصه باد که در عهد هود (علیه السلام) قوم عاد را هلاک کرد
۱۲۹	قصه توکل و ترک جهد گفتن نخجیران به شیر
۱۳۰	ترجیح نهادن نخجیران، توکل را بر جهد و اکتساب
۱۳۴	ترجیح نهان شیر، جهد را بر توکل
۱۳۸	باز ترجیح نهادن نخجیران، توکل را بر جهد
۱۳۹	حکایت نگریستن عزرائیل بر مردی، و گریختن آن مرد در سرای سلیمان و ...
۱۴۱	باز ترجیح نهادن شیر، جهد را بر توکل و فواید جهد را بیان کردن
۱۴۶	مقرر شدن ترجیح جهد بر توکل
۱۵۲	باز طلبیدن نخجیران از خرگوش، سرانندیشه او را و
۱۵۲	منع کردن خرگوش از راز نخجیران را
۱۵۷	قصه مکر خرگوش
۱۶۰	تمثیل تأویل رکیک به قول مگس
۱۷۴	آمدن خرگوش نزد شیر و عذر گفتن او
۱۷۶	عذر گفتن خرگوش
۱۸۱	قصه هدهد و سلیمان در بیان آنکه چون قضا آید، چشمهای روشن بسته شود
۱۸۵	قصه آدم علیه السلام و بستن قضا، نظر او را از مراعات صریح نهی و ترک تأویل
۱۹۱	پا پس کشیدن خرگوش از شیر، چون نزدیک چاه رسید
۱۹۸	نظر کردن شیر در چاه و دیدن عکس خود و آن خرگوش را در آب
۲۰۴	مژده بردن خرگوش سوی نخجیران که شیر در چاه افتاد
۲۰۶	جمع شدن نخجیران در گیر خرگوش و ثنا گفتن او را
۲۰۹	تفسیر رَجَعْنَا مِنَ الْجِهَادِ الْأَصْغَرِ إِلَى الْجِهَادِ الْأَكْبَرِ
۲۱۳	آمدن رسول روم نزد امیرالمؤمنین (رض) و دیدن او، کرامات عمر را
۲۱۷	یافتن رسول روم امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه، را خفته در زیر نخل
۲۱۹	سلام کردن رسول روم، عمر را (رض)
۲۲۷	اضافت کردن آدم (علیه السلام) آن زگت را بر خویشتن که «رَبَّنَا ظَلَمْنَاهُ وَ
۲۳۲	تفسیر «وَهُوَ مِنْكُمْ أَثَمَّا كُتِّمَ»
۲۳۴	سؤال کردن رسول روم از عمر (رض) در مورد سبب پیوند
۲۳۴	روح متعالی با آب و گِل اجساد
۲۳۶	مَنْ أَرَادَ أَنْ يَجْلِسَ مَعَ اللَّهِ فَلْيَجْلِسْ مَعَ أَهْلِ التَّوَصُّفِ
۲۴۱	حکایت بازرگان که طوطی محبوبش او را پیغام داد به طوطیان هندوستان هنگام رفتن به تجارت

- دیدن خواجه تاجر، طوطیان هندوستان را در دشت و پیغام رسانیدن از آن طوطی ۲۴۵
- تفسیر قول شیخ فریدالدین عطار (قدس الله سوه) ۲۴۹
- حکایت تعظیم ساحران مر موسی (علیه السلام) را ۲۵۳
- بازگفتن بازرگان به طوطی آنچه را دیده بود ۲۶۱
- شنیدن طوطی محبوس، حرکت آن طوطی را و مُردن او در قفس و نوحه خواجه بر وی ۲۶۷
- تفسیر قول حکیم سنایی (رحمه الله علیه) ۲۸۰
- بیرون افکندن خواجه، طوطی را از قفس و پریدن طوطی مُرده ۲۹۱
- وداع کردن طوطی خواجه را و پریدن او ۲۹۴
- مضرت تعظیم خلق و انگشت نمایی شدن ۲۹۵
- تفسیر ماشاء الله کان ۳۰۱
- تفسیر این حدیث از پیامبر اکرم (ص): آنچه‌ی که خدا خواست شد و ۳۰۱
- داستان پیر جنگی که در عهد شمر (رض) از بهر خدا روزی بینوایی چنگ زد میان گورستان ۳۱۱
- قصه سؤال کردن عایشه (رض) از حضرت مصطفی (صلی الله و سلم) ۳۳۱
- تفسیر بیت حکیم سنایی غزنوی ۳۳۶
- قصه نالیدن ستون حنانه در هجر رسول (ص) ۳۴۷
- اظهار معجزه حضرت رسول (ص)، و به سخن درآمدن سنگ‌ریزه در دست ابوجهل و ۳۵۴
- بقیه قصه مطرب و پیغام رسانیدن امیرالمؤمنین عمر (رض) با او آنچه هاتف آواز داد ۳۵۵
- گردانیدن شمر نظر او را از مقام گریه که هستی است به ۳۵۷
- تفسیر دعای آن دو فرشته که هر روز بر سر هر بازاری شنادی می‌کنند که ۳۶۲
- قصه آن خلیفه که در گرم و بخشش در زمان خود از حاتم طایی گذشته بود ۳۶۷
- قصه خلیفه عطاگر و قصه اعرابی درویش و ماجرای زنش با او ۳۶۸
- در بیان مغرور شدن مریدان محتاج به مدعیان تزویرگر و ایشان را شیخ و ۳۶۹
- در بیان آنکه نادر اتفاق افتد که مرید مدعی مزور به مقامی برسد که شیخش در خواب ندیده باشد ۳۷۳
- صبر فرمودن اعرابی زن را و فضیلت صبر و فقر گفتن با زن خود ۳۷۴
- نصیحت کردن زن، شوهر خود را که سخن افزون از قدم و از مقام خود مگو ۳۸۰
- نصیحت کردن مرد، مر زن را که در فقیران به خواری منگر و ۳۸۲
- در بیان آنکه جنبش هر کس از آنجاست که او همه را از چنبره وجود خود می‌بیند ۳۸۷
- تهدید نمودن مرد، زن را به جدایی و مراعات کردن زن و ۳۹۱
- در توضیح این خبر که: أَنَّهُنَّ يَغْلِبْنَ الْعَاقِلَ وَيَغْلِبُهُنَّ الْجَاهِلُ ۳۹۴
- تسلیم کردن مرد، خود را به آنچه التماس زن بود از طلب معیشت و ۳۹۶

- در بیان آنکه موسی و فرعون هر دو مسخرّ مشیت‌اند ۳۹۷
- سبب جرمان اشقیا از دو جهان که خَیْر الدُّنْیَا وَ الْآخِرَه ۴۰۴
- حقیر و بی‌خضم دیدن دیده‌های حسّ، صالح و نافع صالح را ۴۱۰
- در معنی آنکه: مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ یَلْتَقِیَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا یَتَغَیَّیَانِ ۴۱۵
- در معنی آنکه هر چه ولی کامل کند مریدان را شاید گستاخی کردن ۴۲۳
- مخلص ماجرای عرب و جفت‌او ۴۲۷
- دل نهادن عرب بر التماسِ دلبر خویش و سوگند خوردن که ۴۳۲
- تعیین کردن زن، طریق طلب روزی، کدخدای خود را و قبول کردن او ۴۳۹
- هدیه بردن عرب، به سوی آب باران از میان بادیه، سوی بغداد به امیرالمؤمنین، ۴۴۰
- در نمود در دوختن زن عرب، آب باران را و مهر ۴۴۲
- در بیان آنکه چنانچه گدا عاشق کَرَم است و عاشق کریم، کَرَم کریم هم عاشق گداست ۴۴۵
- پیش آمدن نقیبان و دربانان خلیفه از بهر اکرام اعرابی و پذیرفتن هدیه او ۴۵۱
- در بیان آنکه عاشق دنیا مانند عاشق دیواری است که آفتاب بر او تافته ۴۵۴
- مَثَل عرب: إِذَا زَیَّتْ فَازَنْ بِالْحَرَّةِ وَإِذَا سَرَقَتْ فَاسْرِقِ الدُّوَّةَ ۴۵۶
- سپردن عرب، هدیه را یعنی سبوی را به غلامان خلیفه ۴۵۷
- حکایت نحوی و کشتیان ۴۶۱
- قبول کردن خلیفه، هدیه را و عطا فرمودن با کمال بی‌نیازی از آن هدیه ۴۶۴
- در بیان وصف پیر و مطاوعت از وی ۴۸۰
- وصیت کردن رسول (صلی الله علیه و آله و سلّم) علی را «كَرَّمُ اللهِ وَجْهَهُ» ۴۸۵
- خالکوبی کردن قزوینی بر شانگاه، تصویر شیر و پشیمان شدن او ۴۸۹
- امتحان کردن شیر، گرگ را در تقسیم صید میان آنها ۴۹۷
- صفت توحید ۵۰۳
- ادب کردن شیر، گرگ را که در قسمت گستاخی کرده بود و خواندن رویه برای بخش کردن صیدها ۵۰۷
- تهدید نوح (ع)، مَرْقُوم را که با من می‌چید که من روی پوشم، ۵۱۰
- آمدن مهمان یوسف (علیه السلام) ۵۱۷
- ارمغان آوردن میهمان، آینه را ۵۲۳
- مرتد شدن کاتب وحی به سبب آنکه پرتو وحی بر او زد و ۵۳۱
- دعا کردن بَلْعَمِ بَاعُور که «موسی (علیه السلام) و قومش را از این شهر ۵۴۵
- اعتماد کردن هاروت و ماروت بر عصمت خویش و آمیزی اهل دنیا خواستن ۵۵۰
- بقیه قصه هارت و ماروت و نکال و عقوبت ایشان هم در دنیا به چاه بابل: ۵۵۴

اول کسی که در مقابله نص، قیاس آورد ابلیس بود.....	۵۶۵
در بیان آنکه حال و مستی خود پنهان باید داشت، از جاهلان.....	۵۶۸
قصه مری کردن رومیان و چینیان در علم نقاشی و صورتگری.....	۵۷۷
پرسیدن پیغامبر (علیه السلام) مرزید را: امروز چونی؟ و چگونه برخاستی؟ و.....	۵۸۳
بقیه قصه جواب گفتن زید رسول (علیه السلام) را.....	۵۸۷
متمم کردن غلامان و خواجه تاشان، مرلقمان را که آن میوه های ترونده که می آوریم، او خورده است.....	۵۹۷
بقیه قصه زید در جواب رسول علیه السلام.....	۶۰۰
حکایت سلیمان (ع) و ظن آن شخص بر وی موقع دیدن او سلیمان را در هیأت ماهیگیران.....	۶۰۲
بازگشتن به حکایت زید.....	۶۱۲
آتش افتادن در شهر به ایام غمر (رض).....	۶۲۰
خدو انداختن خصم در روی امیرالمؤمنین علی (کرم الله وجهه).....	۶۲۳
سؤال کردن نومسلمان از علی کرم الله وجهه که چون بر من مظفر شدی،.....	۶۳۳
جواب گفتن امیرالمؤمنین (رضی الله عنه) که سبب افکندن شمشیر از دست چه بود در آن حالت.....	۶۳۶
گفتن پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به گوش رکابدار امیرالمؤمنین.....	۶۴۹
تعجب کردن آدم (علیه السلام) از ضلالت ابلیس و عجب آوردن.....	۶۵۹
باز گشتن به حکایت امیرالمؤمنین علی (کرم الله وجهه).....	۶۶۴
آمدن رکابدار علی (کرم الله وجهه) که از بهر خدا مرا بکش.....	۶۶۷
در بیان آنکه فتح طلبیدن پیغامبر (علیه السلام) مکه را و غیر مکه را.....	۶۶۹
گفتن امیرالمؤمنین علی (کرم الله وجهه) با قرین خود.....	۶۷۵
نظم حکایات.....	۶۸۱
حکایت عاشق شدن پادشاه بر کنیزکی و خریدن پادشاه، کنیزک را.....	۶۸۳
حکایت مرد بقال و طوطی و روغن ریختن طوطی در دکان.....	۶۹۲
داستان آن پادشاه جهود که نصرانیان می کشت از بهر تعصب.....	۶۹۴
تعظیم نعت مصطفی (ص) که مذکور بود در انجیل.....	۷۰۸
حکایت پادشاه جهود دیگر که در هلاک دین عیسی سعی نمود.....	۷۰۹
بیان توکل و ترک جهد گفتن نخجیران به شیر.....	۷۱۳
نگریستن عزرائیل بر مردی، و گریختن آن مرد در سرای سلیمان.....	۷۲۴
زیافتن تاویل مگس.....	۷۲۶
قصه هدهد و سلیمان (علیه السلام) در بیان آنکه.....	۷۲۷
آمدن رسول قیصر روم نزد امیرالمؤمنین غمر و دیدن او کرامات وی را.....	۷۳۰
اضافت کردن آدم، آن زگت را بر خویشتن که «رگنا ظلمنا» و اضافت کردن ابلیس.....	۷۳۵

۷۳۶.....	قصه بازرگان که طوطی، او را پیغام داد به طوطیان هندوستان
۷۴۲.....	تعظیم ساحران، مر موسی (علیه السلام) را که چه فرمایی؟
۷۴۳.....	مضرت تعظیم خلق و انگشت نمای شدن
۷۴۴.....	داستان پیر چنگی که در عهد عمر (رض) از بهر خدا روز بینوایی
۷۵۱.....	قصه سؤال کردن عایشه از مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم)
۷۵۲.....	نالدین ستون خانه
۷۵۳.....	اظهار معجزه پیغامبر (علیه السلام)
۷۵۴.....	قصه خلیفه که در کرم، در زمان خود از حاتم طایی گذشته بود
۷۵۵.....	قصه اعرابی درویش و عاجرای زن او با او به سبب قلت و درویشی
۷۷۰.....	قصه زشت دیدن ابوجهل (علیه اللعنه) و خسار پیامبر (ص) را
۷۷۱.....	قصه موسی و فرعون که هر دو مسخر مشیت الهی اند
۷۷۲.....	حکایت حقیر دانستن قوم ثمود، صالح (ع) و ناقة وی را
۷۷۶.....	حکایت نحوی و کشتیان
۷۷۷.....	وصیت کردن رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) علی (ع) را کرم الله وجهه
۷۷۸.....	حکایت کبودی زدن قزوینی بر شانگاه، صورت شیر
۷۸۰.....	قصه رفتن گرگ و روباه در خدمت شیر به شکار
۷۸۴.....	حکایت آنکه در خانه یاری بکوفت
۷۸۵.....	نشان دادن پادشاهان، صوفیان عارف را پیش روی خویش
۷۸۶.....	قصه آمدن مهمان یوسف (علیه السلام)
۷۸۸.....	حکایت مرتد شدن کاتب وحی به سبب آنکه پرتو وحی بر او زد
۷۹۰.....	قصه به عبادت رفتن کز بر همسایه رنجور خویش
۷۹۲.....	اول کسی که در مقابله نص، قیاس آورد ابلیس بود
۷۹۳.....	قصه مری کردن رومیان و چینیان در علم نقاشی و صورتگری
۷۹۴.....	پرسیدن پیغامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مر زید را: امروز چونی؟
۷۹۸.....	متمم کردن غلامان و خواجه تاشان، حضرت لقمان را
۸۰۰.....	آتش افتادن شهر را در عهد عمر (رض)
۸۰۱.....	حکایت خدو انداختن خصم در روی امیرالمؤمنین علی (ع)
۸۰۶.....	گفتن پیغامبر (ص) به گوش رکابدار امیرالمؤمنین (ع)
۸۰۸.....	تعجب کردن آدم (علیه السلام) از ضلالت ابلیس و عجب آوردن
۸۰۹.....	حکایت سفر کردن حضرت موسی (ع) با حضرت خضر (ع)
۸۲۱.....	کتاب نما

مقدمه:

مثنوی معنوی کتابی است که زبان از بیان حقیقتش عاجز ماند و قلم تقریر آن نتواند و هیچ شارحی وصف تمام نکات آن نداند. این کتاب مملو از حقایق تعریف ناشدنی و سرشار از دقایق به وصف در نیامدنی است. مثنوی همچون باغی است که وسعتش تا دور و همچون چراغی است روشن و پرنور، باغی که همواره در آن خرّمی می‌بینیم و برای هر یک از دردهای خود گل و گیاهی می‌چینیم، و چراغی که با روشنایی آن راه راست را برمی‌گزینیم. ضمن تفرّج در این باغ، صدای نیِ جان را می‌شنویم که چگونه بسا آه و ناله شکایت می‌آغازد و از فراق و جدایی حکایت‌ها می‌سازد.

مولانا اشعار خود را در مثنوی با دستور خاص طریقت و احکام متعالی شریعت آمیخته و هنر و فلسفه را بدان آویخته است. همچنین شواهد برّین را قرین تمثیلات شیرین نموده و باب فهم و دانایی را بر کوشندگان گشوده است. آنطور که می‌توان گفت: کسی که مثنوی می‌خواند شاید صوفی یا فیلسوف شدن نتواند، لیکن انسانی بهتر از آنچه بوده، باشد و مقصود و انتظار مولوی نیز جز این نیست.

وقتی مثنوی می‌خوانیم مانند کسی می‌شویم که برای اولین بار به سرزمینی وسیع رسیده و مناظر بدیع در آنجا دیده که با روح و یا خاطرات گنگ و تفسیرنشده او

آشنایی خاص دارد، درست مانند این است که با تمام نا آشنایی‌اش با آن همنشین بوده و یا شاید در رؤیاهای خود آن را تصویر نموده است.

مثنوی معنوی را با ساحت وحی پیوندهاست و در آن برای مستمعانش بسیاری پندهاست. شعلهٔ رقصان شمع وحی، دل و جان مولوی را گرم و روشن کرده، طوری که مثنوی ایشان از پرتوهای حیات‌بخش قرآن الهام بُرده است. خوانندهٔ مثنوی بی‌آنکه از زبان مولوی بشنود، به خوبی در می‌یابد که آفرینندهٔ این کتاب قرآن را همواره در ذهن و زبان خود داشته، حافظِ لفظ آن بوده و معنای آن را نیک پنداشته است. از دیگر ویژگیهای مثنوی، همراه بودن حکایات و مقالات ارزنده با دلالات و شواهد زنده است. مثنوی پُر از قصه‌های جالب و دلایل غالب است که یکدیگر را تداعی می‌کنند. همچنین ریختن دانهٔ معنا در پیمانۀ قصه از بارزترین آثار پذیرندگی مولانا از قرآن است. طوری که اگر دلایل سنی و پرمعنی مثنوی را چون آبِ صاف و شفاف بدانیم، قصه‌ها در حکم ظرفی دریاوند که بهره‌گیری از دریای معنوی را آسان می‌سازند.